

در این جلسات حضور داشته باشیم. در این نشست ها تعدادی موفق می شدند که اشعارشان را بخوانند و دیگران نظر بدهند ولی داستان این طور نیست مستلزم وقت مخصوصی است. البته دوبار نویسندگان هم به شکل عام، با ایشان دیدار داشتند که حتی یک باریکی از خانم ها شروع کرد به داستان خواندن، طول کشید و نگرفت.

*در این جلسات و جلسات دیگر

رهبری با هنرمندان، رهنمودهایی داشتند، این رهنمودها چقدر مورد توجه قرار گرفته و به کار گرفته می شود؟

***یک بخش به اشخاص برمی گردد و یک بخش هم به مسئولان. اگر در حوزه هنری در ادبیات به ویژه در بخش مقاومت به جایی رسیدیم که یک کتاب بیش از ۱۵۰ بار تجدید چاپ شده و استقبال بی سابقه ای داشتیم، مدیون فرمایش های ایشان هستیم. اگر با هوشتر و با استعدادتر بودیم، منظور ایشان را بهتر در می یافتیم، حتماً جایگاه و پایگاه خیلی بهتر از این بود!

*ادبیات مقاومت و پایداری چه نستی

با ادبیات انقلاب دارد؟

***آن چه در ادبیات ما به عنوان ادبیات انقلاب و مقاومت و پایداری می شناسیم، زیر مجموعه ادبیات انقلاب است. ادبیات انقلاب را عام می دانیم و دفاع مقدس، جنگ و مقاومت را زیر مجموعه آن می دانیم.

در کشورهای عربی از آنچه که به عنوان ادبیات مقاومت نام می برند، برعکس ترتیبی است که گفتیم در آنجا انقلاب گونه ای از ادبیات مقاومت است. اما چون ما ادبیات مقاومت یا پایداری را به طور ویژه منحصر به دفاع مقدس می دانیم لذا آن را از نتایج انقلاب به حساب می آوریم. نسبتش از نظر من به این صورت است که به گمانم مهمترین دستاورد انقلاب هویت و شخصیتی جدیدی بود که به مردم ایران داد. دفاع مقدس فرصتی برای دیده شدن این هویت جدید بود. فراموش نکنیم ملت ما حداقل ۲۰۰ سال جنگ داشت و همیشه هم شکست خورده بودیم و بدون هیچ دفاع قابل قبولی همیشه چیزی را واگذار کرده بودیم و بعد یکدفعه در یک جنگ بی نظیر که همه دنیا یک طرف بودند و ما یک طرف، توانستیم بدرخشیم و به معنای واقعی حماسه خلق شود و این ها را مدیون هویتی بودیم که انقلاب اسلامی به ما داد و از این جهت ادبیات مقاومت با آن چه در جنگ اتفاق افتاد، ادامه منطقی انقلاب اسلامی بوده است.

ها و کتابفروشی های آن زمان و کتابخانه آستان قدس کتاب می گرفتند و می خواندند و آشنایی اولیه ایشان با فرهنگ و تمدن غرب از طریق همین رمان ها است. بنابراین، خواندن رمان صرفاً برای سرگرمی نبوده است بلکه هدفمند بوده است. الان هم معمولاً کارهای برجسته در حوزه ادبیات و رمان را می خوانند. هم خارجی و هم داخلی. هم در حوزه شعر و هم داستان صاحب نظر هستند و بسیار پیش آمده که کارهایی را خوانده اند که برخی از نویسندگان ما آن ها را نخوانده بوده اند و حتی نسبت به کارهای جدید هم اشرافی که ایشان دارند متأسفانه ما ها نداریم!

در مورد توجه به شعر هم خاطره ای را باید تعریف کنم. مقام معظم رهبری تعریف می کردند که وقتی انقلاب پیروز شد، چون آن زمان شورای انقلاب اداره امور کشور را در دست داشت و ایشان هم عضو این شورا بودند، سرشان خیلی شلوغ بوده، ولی در کمترین فرصتی که به دست می آوردند، سعی می کردند تا هنرمندان و شاعران را در کنار هم جمع کنند و می فرمودند به این ها زنگ می زدم و می گفتم که همکاری داشته باشند و مثلاً به اخوان ثالث زنگ زدند و گفتند که اطلاع دارید که انقلاب شده، بیاید وسط و اخوان، بدسلیقگی می کند. اول من و منی می کند و بعد انگار چیزی به ذهنش رسیده باشد می گوید: شاعر باید بر سلطه باشد نه با سلطه! حضرت آقایی درنگ می گویند: "بارک الله... من هم همین را می گویم. الان سلطه کیست؟ مگر غیر از آمریکاست؟ پس بیاید بر سلطه باشیم." اخوان نمی آید. اگر چه ایشان علیه انقلاب هم کاری نکرد و ارتباطش با هم انقلاب هم خیلی قطع نبود. اما شخص دیگری که آقا به ایشان زنگ می زند استاد مهرداد اوستا بوده است.

مهرداد اوستای پیش از انقلاب با مهرداد اوستای بعد از انقلاب خیلی فرق می کند و در شعر و شخصیت ایران شخصیت برجسته و درخشانی بود و هم این که به خاطر قصیده هایش و هم سواد و احاطه ایشان به علوم زبانشناسی و علوم اساطیری، آدم با سواد بود. به ایشان هم زنگ می زدن و آقای اوستا استقبال می کردند و قرار می گذارند و ایشان تا بودند از استوانه های شعر و ادب انقلاب بودند. مقام معظم رهبری خودشان تاکید کردند که این به این معنا نبود که اگر ما به سراغ اوستا نمی رفتیم، او هم نمی آمد و با انقلاب همراه نمی شد. حتماً اوستا می آمد و بالاخره تا آخر با انقلاب ماند. اما این که چرا برای نویسندگان جلسه ای نیست؛ به دلیل فرق شعر و داستان است. من توفیق دارم طی ده سال اخیر؛ همیشه

که فضای درس و مدرسه تغییر کرد. بچه ها پاکت های شیر را به عنوان تغذیه که از مدرسه دریافت می کردند؛ به شیشه های مدرسه می زدند و شیشه ها را می شکستند. الله اکبر های شبانه و شعارهایی که مردم روی دیوارها می نوشتند، و صدای گلوله هایی که از دور می آمد نخستین چیزهایی بود که از انقلاب به یاد دارم.

آن زمان تیرهای هوایی بود اما تصور ما از این صدای گلوله ها این بود که ما فکر می کردیم با صدای هر گلوله یک نفر کشته شده و ما این ها را می شنیدیم و می دیدیم و همان زمان بود که باواژه شهید آشنا شدم و برآیم واژه جدیدی بود. پیش از این شهید واژه ای بود که متعلق به تاریخ و قرون گذشته بود. بعد تظاهرات تاسوعا و عاشورا و بعد هم رفتن شاه و صف های طویل نفت. متأسفانه با تعطیلی مدارس به ولایت خودمان برگشتیم چون خانواده نگران بودند؛ بنابراین اتفاق مهمی مانند آمدن امام را ندیدیم. تنها واقعه بزرگ انقلاب را که شاهد نبوده ام همین یکی است! فردای ۲۲ بهمن دوباره برگشتیم به تهران، چون بلافاصله مدارس باز شد.

*رهبر انقلاب تسلط کافی در شعر و

داستان دارند. این تسلط داشتن و احاطه به ادبیات؛ چقدر به ادبیات کمک کرده و این که چرا شاعران در نشست با رهبری، حضور پررنگ تری دارند ولی داستان نویسان چنین نشتی ندارند؟

***قطعاً در به وجود آمدن مکتب ادبی و هنری انقلاب، تاثیر حضرت آیت... خامنه ای بی بدیل است. به ویژه در درخشش شعر و شکوفایی داستان. البته در حوزه های دیگر هم نظرات بلند ایشان و تشویق هایشان حتماً بسیار مؤثر بوده است، مانند سینما و بعضی هنرهای دیگر. راجع به زندگی ادبی ایشان پیش از این بنده گزارش کوتاهی نوشته ام که دوستان را ارجاع می دهم به آن. فقط عرض می کنم ایشان نگاهشان به شعر و ادب از سر تفنن نیست بلکه تصریح دارند که شعر یک ثروت ملی است. یا این که مگر می شود ملتی سینما نداشته باشد؟! ایشان از سرزمینی برخاسته اند که شعر و ادبیات در آن از اهمیت ویژه ای برخوردار بوده و از سوی دیگر در طول تاریخ، حوزه های علمیه هم بیگانه با ادبیات و شعر نبوده اند، اما پیش از این که وارد حوزه شعر بشوند در حوزه داستان بودند و از نوجوانی عمده رمان های مشهور کلاسیک دنیا را خوانده اند. از کتابخانه